میزگرد نقد و بررسی کتاب «فقه و سیاست» با داوود فیرحی

از جدایی فقه و دموکراسی رادیکالیزم متولد می‌شود

شاید فقه و سیاست از موضوعاتی باشد که در نگاه اول به نظر بیاید که رابطه مستقیمی با مردم ندارد، اما با کمی دقت می‌بینیم خیلی از مسایل زندگی ایرانیـان با این موضوع، یعنی قبض و بسـط فقه ارتباط تنگاتنگی دارد. موضوع شـرع، حدود و ثغور حلال و حرام و... بحث‌هایی اجتناب‌ناپذیر در زندگی روزمره مسلمانان است. همین بحث‌ها قرن‌هاست نوع و شکل حکومت ایران را متاثر کرده یا به آن شکل داده و یا باشکل‌های معارض با خود مواجهه‌ای جدی داشته است. از این زاویه کتاب «فقه و سیاست» نوشته داوود فیرحی جای بحث و تامل دارد. میزگردی که با حضور حسن محدثی و حسین فراستخواه می‌خوانید به همین منظور ترتیب داده شده اسـت. این میزگرد را شـیما بهره‌مند، پویا رفویی و احمد غلامی برگزار می‌کنند. لازم به یادآوری اسـت در خلاصه‌نویسـی میزگـرد بحث‌ها و سوالات میزبانان حذف شده است.

حسـن محدثی: مـن علاقه‌مندم که اول خود آقـای فیرحی در این‌باره توضیح دهد که برای فقه، در زندگی اجتماعی امروز، ایشـان چه اندازه مدخلیت قایل هسـتند و به‌نظر می‌آید این کار کوششـی است در این مسیر که بتواند مدخلیت فقه را با زندگی کنونی یا جهان مدرن مطرح کند. مشکل اساسی‌ای که امروز وجود دارد این است که چگونه می‌توانیم در جهان مدرن، مسلمانانه زندگی کنیم. کتاب فقه و سیاست می‌کوشد نشان دهد که مسلمانانه زیستن در جهان مدرن چه ویژگی‌هایی دارد و اساسا چگونه ممکن است. تصورم این است چنین دغدغه‌ای سوار بر این کار بوده یا انگیزه‌ای بوده که هدایت کند این تلاش طولانی را.

داوود فیرحـی: بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. من یک مطالعه طولانی در حوزه فقه و سیاسـت دارم. نمی‌دانم چرا به این حوزه وارد و علاقه‌مند شدم، از ابتدای شروع مطالعاتم در این زمینه، دغدغه‌هایی داشتم. یکی از مهم‌ترین پیش‌فرض‌هایی که در این متن داشـتم و مطالعاتم هم آن را پشتیبانی می‌کرد این بود که جهان خاورمیانه، یک جهان مذهبی است. درست است که دیدگاه‌های دیگر هم در آن حضور دارند. من اشـاره می‌کنم به یکی از صحبت‌های خیلی مهم ابوالفتوح که از کاندیداهای مصر بود، جمله‌ای داشت تحت این عنوان که «لانهضه فی الشرق فی غیاب الاسلام». تحولی در شرق پیدا نمی‌شود در غیاب اینکه بگوییم در آن تحول مذهب دخالت ندارد. جهان خاورمیانه اینطور است. یک جهان مذهبی است و وقتی هم به تمدن اسلامی نگاه می‌کنیم که مرکزش اینجا یعنی خاورمیانه است می‌بینیم که عمده‌ترین دانش مربوط به حوزه عمل، فقه است. یعنی ما دیدگاه‌های دیگر مثل فلسفه و عرفان را داریم، تفسیر و خیلی دانش‌های دیگر در این حوزه داریم ولی وقتی انسانی مسلمان می‌خواهد عملی انجام دهد، آن وقت است که پای فقه باز می‌شود. به‌طور خودکار پای فقه باز می‌شود. در اینجا، وقتی هم از عمل صحبت می‌کنیم، عمل را در مقابل رفتار در نظر می‌گیریم. در فلسفه و جامعه‌شناسی امروز، معمولا عمل را در مقابل behaviour می‌گیرند. وقتی از رفتار صحبت می‌کنیم، یعنی حرکت‌های غریـزی و غیرارادی آدم‌ها. اما وقتی از act یا عمل صحبت می‌کنیم منظورمان این است که انسان کاری را با تامل، استدلال و توجیه انجام می‌دهد. حوزه سیاست، حوزه عمل است، درست است که ممکن اسـت حوزه رفتار هم باشـد ولی اساسا حوزه عمل است. به قول ارسطو وقتی ما تصمیم می‌گیریم عمل کنیم، ابعاد قضیه را می‌سنجیم، انتخاب می‌کنیم و توجیه می‌کنیم و بر اساس همین توجیهات است که خودمان را قانع می‌کنیم که کاری را ترک کنیم و کار دیگری را عمل کنیم. حوزه سیاست، بیشتر حوزه عمل و حوزه تصمیم است. وقتی هم که این اتفاق می‌افتد، در جهان اسلامی خواهی‌نخواهی، پای فقه به میان می‌آید. من کاری ندارم گفته شود که فقه دچار رکود یا دچار بن‌بست است یا نیست، اینها سـر جای خود باید ارزیابی شـود، اما تصور مـن این بود آنچه رخ می‌دهد این اسـت که تنها دانش توجیه‌کننده عمل ما در جهان اسلام، دانش فقه است. درست به همین دلیل هم باید هرگونه سرنوشت‌مان را، خوب یا بد، با همین دانش بسنجیم. چون آن دانش است که این کارها را توجیه می‌کند. می‌بینیم در جهان اسلام، معمولا فقیهان، رهبران قوم بودنـد. نـه از حالا، بلکه از قدیم قدیم. پس ربطی بـه امروز ندارد. بحث به‌عنوان مرجع مراجعه است. همیشه این بوده و در داستان‌های ما بوده که می‌گویند دو شخص یعنی یک فیلسوف و یک فقیه به سفر رفته بودند، باد و بوران گرفت و به کلبه پیرزنی پناه بردند پیرزن فقط یک‌دست وسیله خوراک و خواب داشـت. اندیشید این را به کدام‌یک از میهمان‌ها بدهد؟ از فیلسـوف پرسید تو چه‌کار می‌کنی؟ توضیح داد من از وجود صحبت می‌کنم، از علت، صورت، هیولا، غایت و این چیزها صحبت می‌کنم. پیرزن چیزی نفهمید. بعد از فقیه پرسید شما که هستی؟ گفت من فقیه هستم. گفـت چه‌کار می‌کنی؟ گفت من می‌گویم کـه چند بار آب بریزی روی ظرف، پاک می‌شـود و چه‌کار کنی گوشت حلال می‌شود، چه‌کار کنی حرام می‌شـود، چه زمانی سرکه، سـرکه است و چه زمانی انگور، شراب است، من اینها را می‌گویم. گفت این به درد من می‌خورد. به این ترتیب وسایلش را در اختیار فقیه گذاشت.

می‌خواهـم بگویم که این بحثِ «جایگاه فقه و فقیه در عمل فردی و اجتماعی مسلمانان، مهم است. مدت‌هاست که دانش فقه، تنها دانش ویژه جهان اسـلام است که عمل را توجیه می‌کند. اگر اینطور است، مسوول خوب و بدبودن عمل هم همان اسـت. یعنی هر اتفاقی در حوزه فقه رخ داده است، در حوزه عمل اثر گذاشته است و هر عمل یا کج‌عملی معلول ریتم یا آریتمی دسـتگاه فقه اسـت. این بحث برای من مهم بود وقتی مطالعه می‌کردم می‌دیدم که قدمای ما هم این را دارند. اما نکته‌ای چشم مرا گرفت و این بود که پدیده‌ای به‌نام دولت مدرن پیدا شـده است که ویژگی‌های خاص خودش را دارد از جمله تفکیک قوا و حزب، سیسـتم قانونگذاری موضوعه و بسیاری چیزهای دیگر. سوالم این بود دستگاه فقه به این پرسش چگونه پاسخ داده است؟ وقتی موضوعی وارد جهان اسلام شـده است به نام دولت مدرن، فقه چگونه به این پاسخ داده است. تا به حال، وقتی مطالعه می‌کردم احسـاس می‌کردم دو دیسکورس کلان را می‌توانیم ببینیم: مواجهه دموکراتیک و اقتدارگرایانه فقه با دولت مدرن در ایران. یک‌بار مواجهه این بود، فقه مواجهه دموکراتیک با دولت مدرن داشت، چیزی که در دوره مشروطه می‌بینیم. مواجهه دموکراتیک لزوما مواجهه لیبرال نیست، اما دموکراتیک است و برای خودش هم کارهای مهمی انجام می‌دهد. یک مواجهه هم، مواجهه اوتوریتیک است که بعد از دهه ۲۰ ظاهر می‌شود. من سعی کردم در این جلد کتاب که دو بخش است، یکی سامانه فقه را توضیح دهم که کلا فقه چه‌جور نظام استدلالی است و چگونه عمل می‌کند، چگونه تولید حکم و حق می‌کند و تولید حق و حکم را اساسا چگونه توجیه می‌کند. در قسمت دوم عمده تلاشم این بود که ببینم متفکرانی که فقه مشروطه یا به‌تعبیر دیگر فقه دموکراسی را طرح کردند با چه امکانات و محدودیت‌هایی مواجه شدند و سرانجام چه دستاوردهایی داشتند یا بن‌بست‌هایی پیدا کردند. من احساس می‌کنم که این فقه دستاوردها و البته بن‌بست داشت و تلاشم، درباره ضرورت رابطه

...

محدثی: وقتی کتاب را می‌خواندم انتظارم این بود که تاریخ و روندهای این عقلانی‌سازی فقهی و تاریخ این دیسیپلین مورد بحث قرار گیرد. شمامی‌گویید، نص یک امر ابدی است و از طرفی تاریخ را هم داریم و اینها را می‌خواهید به هم پیوند دهید، من معتقدم که نص هم، خودش تاریخی است و شما می‌گویید که نص فراتاریخی است. اما مواردی را فراهم کردید تا بگویید که این دیسیپلین مستقل است

...

فقه و سیاست در ایران معاصر

فقه سیاسی و فقه مشروطه
داوود فیرحی
نشر: نی

...

فیرحی: از درون شکست فقه و دموکراسی در ایران، سکولاریزم درنمی‌آید، بلکه نوعی رادیکالیزم مذهبی تولید می‌شود. روشنفکران ما وقتی فقه را به حاشیه می‌زدند امید داشتند در غیابش یک نظام سکولار عقلانی خاص داشته باشند اما نشانه‌ها و کدهایی که از سال ۱۲۹۵ وجود داشت، نشان می‌داد که این دستگاه وقتی به کمون می‌رود جامعه رادیکال‌تر می‌شود

...